

مقایسه‌ی داستان‌ها گلستان‌ها

چکیده

نخستین بار «عبدالعظیم قریب» در سال ۱۳۱۱ شمسی و سپس «بهار» گلستان را مقامه خوانده‌اند. سعدی در گلستان به مانند مقامه‌نویسان، ابتدا به خلق حکایات و بیان مطلب یا اسلوبی زیبا توجه داشته اما برخلاف آن‌ها مطالبی را در گلستان آورده است که جنبه‌ی پند و اندرز دارند و در زندگی عملی مردم سودمندند. سعدی به مقامات صوفیه نیز نظر داشته اما بدون تکلفات لفظی و معایب ناشی از زهد خشک، در واقع شیوه‌ی مخصوصی را در فارسی بنیان نهاده که قبلاً سابقه و نظیر نداشته است؛ به‌طوری که گلستان با هیچ یک از مقامات پیش از او قابل مقایسه نیست.

کلید واژه‌ها:

مقامه، مقامه‌نویسی، گلستان، مقامات حریری، مقامات بدیع‌الزمان.

مقامه‌نویسی

مقامه‌نویسی را می‌توان جداگانه‌ی داستان‌های پیکارسک «Narrative picaresque» دانست، که در قرن شانزدهم در اسپانیا مرسوم شد. پیکارسک مشتق از واژه‌ی اسپانیایی «پیکار» به معنای دغل‌باز و مُحیل و کلک‌زن است، و «پیکارسک» صفتی بوده است برای رمانس‌هایی که به اعمال پیکاروها می‌پرداختند. قهرمان مقامه هم دغل‌باز و محیل است. به‌هر حال، مورخان

تاریخ ادبیات غرب هیچ‌کدام به نقش مقامه‌نویسی در تاریخ رمان‌نویسی اشاره نکرده‌اند. حال آن‌که این معنی، حداقل در تکامل رمان حوادث (Novel of incident) آشکار است (شمیسا، ۱۳۸۲: ۹۴).

در زبان فارسی کلمه‌ی «مقامه» به معنای «مکتوب» و «تاریخ» نیز آمده و قدیمی‌ترین استعمال کلمه‌ی مقامه در کتاب **تاریخ بیهقی** است که می‌نویسد: «هر کس این مقامه بخواند، به چشم خرد و عبرت اندر این باید نگریست» (بیهقی، ۱۳۷۰: ۱۷۱).

نخستین کسی که مقامه‌نویسی را به تقلید از ادبیات عربی در زبان فارسی معمول ساخت، **قاضی حمیدالدین عمر بن محمود بلخی** به سال ۵۹۹ هجری است.

نخستین صاحب‌نظر ایرانی که **گلستان** را مقامه خواند، **میرزا عبدالعظیم خان قریب** (قریب، ۱۳۸۰: ۵۳-۱۷) است. پس از عبدالعظیم قریب، **محمدتقی بهار** گلستان را مقامات خوانده و نوشته است: «گلستان در واقع مقامات است و می‌توان او را ثانی‌اثنین مقامات قاضی، حمیدالدین شمره اما مقامات قاضی تقلید صرف و خشکی است که از بدیع‌الزمان و حریری شده است ولی مقامات سعدی مقاماتی است که تقلید را در آن راه نیست و سراسر ابتکار و ابتداع و چابک‌دستی و صنعت‌گری است (بهار، ۱۳۷۳: ۱۲۶-۱۲۵). اینک **گلستان** را با **مقامات**، با در نظر گرفتن وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها در چهار زمینه مقایسه می‌کنیم:

نسرین خداینده
کارشناس ارشد
ادبیات فارسی
و دبیر ادبیات
منطقه‌ی ۱۸ تهران

۱. طرح کلی کتاب

طرح گلستان با سلیقه‌ی مقامات نگاران قدیم تفاوت بسیار دارد. سعدی به جای این که مانند حریری و پیروانش پنجاه مقامه (یا کم‌تر و بیش‌تر) با آرایش‌های لفظی و التزام مالایلم بنویسد و آن‌ها را با شماره‌ی ترتیبی یا با عناوین خاص، که غالباً منسوب به بلاد اسلامی است، بنامد هر قدر که دلش خواسته مقامه نوشته و هر چه مضمون لطیف پیدا کرده، با اعجاز و فصاحت بی‌نظیر در داستان کوتاهی گنج‌نابیده و یکصد و هفتاد و نه قطعه‌ی شیوا، که غالباً مجمل و مختصرند، ترتیب داده است. از این حیث می‌توان گفت که کار او بی‌شبهت به کار بدیع‌الزمان نیست؛ زیرا او نیز به تفصیل مقامه علاقه‌مند نبود و شیوه‌ی سهل ممتنع داشت و در صنعت‌گری معتدل بود. البته برخی از مقامات حمیدی مفضل است؛ مانند حکایت جوان مشت‌زن و جدال سعدی با مدعی (ابراهیمی حریری، ۱۳۴۶: ۴۰۷-۴۰۲).

از حیث موضوع، مقامات سعدی با مقامات حمیدی شباهت بیشتری دارد. در واقع، تقلید سعدی از مقامات مربوط به موضوع آن است نه سبک نگارش

۲. ویژگی‌های عمومی مقامات

فن «مقامه‌نگاری»، که به وسیله‌ی «بدیع‌الزمان» به صورت کلاسیک درآمد، به وسیله‌ی حریری دارای اصول و قوانین خاص شد و گروهی که از آن دو پیروی کردند، از آن اصول تخلف نکردند. از جمله مؤلف خود را مقید می‌کرد به این که ماجرای همه‌ی مقامات را به شخصی موهوم با نامی معین نسبت دهد و آن شخص که نقش قهرمان داستان را دارد، در هر مقامه به شکلی (با گریم خاص) نمودار گردد. این قهرمان در مقامات عربی، اغلب هیئت پیرمرد فقیر و سخن‌وری را دارد که در پایان مقام، تکدی می‌کند. روایت داستان نیز از جانب مؤلف به شخصی موهوم با نامی معین واگذار می‌شود. قاضی حمیدالدین در مقامات خود این قید را گسست. به این گونه که هر مقامه را از زبان راوی‌ای حکایت کرد و به قهرمانی دیگر نسبت داد اما سعدی در این مورد سلیقه‌ی مخصوص خود را به کار بسته و به منظور روح بخشیدن به داستان‌ها، اغلب خویشتن را راوی یا قهرمان قرار داده است. اگر چه بعید نیست برخی از حوادث گلستان واقعاً مشاهدات شخصی سعدی باشد ولیکن برخی نیز، مانند حکایت هفدهم از باب پنجم که در ترکستان رخ داده، کاملاً خیالی است.

دیگر از اوصاف عمومی مقامات این بود که معمولاً داستان با غربت‌گزینی راوی آغاز می‌شد و نویسنده با عبارت‌پردازی و سجع‌سازی، مسافر را به مقصد می‌رساند و او، در ضمن گردش در شهر یا هنگام ورود به جامع شهر، با قهرمان داستان روبه‌رو می‌شد. حریری و قاضی حمیدالدین در این قسمت از مقامه، تطویل کرده‌اند اما سعدی در این مورد نیز معتدل است؛ زیرا اولاً این قید را الزام نکرده، ثانیاً به شیوه‌ی بدیع‌الزمان با یکی دو جمله‌ی شیوا، مسافرت وی را تمام و داستان را آغاز کرده

است. مقاماتی که با ذکر سفر راوی آغاز می‌شود، در گلستان اندک‌اند و غالباً داستان‌ها به‌طور طبیعی و بدون مقدمه‌چینی شروع شده‌اند؛ مثل «آورده‌اند که فقیه‌ی دختری داشت به غایت زشت...» (حکایت ۴۵ از باب دوم).

دیگر از اوصاف عمومی مقامات این است که معمولاً در پایان حکایت، قهرمان داستان به‌طور ناگهانی از نظر راوی ناپدید می‌شود و او را در حسرت دیدار مجدد خود می‌گذارد. در مقامات عربی، قهرمان پس از زمزمه‌ی چند بیت در وصف حال خود، از میانه در می‌رود اما در مقامات سعدی، حکایت با یک یا چند بیت شعر خاتمه می‌یابد؛ به‌طوری که آن اشعار همان حاصل و نتیجه‌ی حکایات اوست و جنبه‌ی عبرت‌آمیز دارد و به قدری دل‌نشین سروده شده که در فارسی غالباً حکم ضرب‌المثل یافته است (ابراهیمی حریری، ۱۳۴۶: ۴۱۱-۴۰۸).

۳. موضوع حکایات

از حیث موضوع، مقامات سعدی با مقامات حمیدی شباهت بیش‌تری دارد. در واقع، تقلید سعدی از مقامات مربوط به موضوع آن است نه سبک نگارش؛ زیرا سعدی صرف‌نظر از ابتکاراتی که در هنر انشا دارد، از حیث اسلوب نگارش بیش‌تر پیرو خواجه‌عبدالله انصاری و ابوالمعالی است نه قاضی حمیدالدین. موضوع حکایات عربی غالباً عبارت بود از موضوعات ادبی، فکاهی، کدیه، تشاتم، مناظره، مباحث فقهی، وعظ و تذکیر، مطاب تدریسی، لغز و معما، و گاهی نیز مطالب تاریخی، مدحی و عشقی و عرفانی.

سعدی درباره‌ی اغلب مطالب مذکور مقامه نوشته، منتها همه را با صیقل مخصوص سبک خویش، صفا و جلای دیگری داده و نیروی تعلیم و ارشاد را در همه‌ی اجزای داستان ساری کرده و سراسر حکایات را با چاشنی شور و عشق، گوارا و دل‌چسب ساخته است. همه‌ی مقامات سعدی جنبه‌ی ادبی نیز دارند؛ زیرا هدف اصلی در آن‌ها هنرنمایی در پرورش سخن و ربودن گوی بلاغت است و هیچ مقامه در گلستان نتوان یافت که یک نکته‌ی ادبی در آن گنج‌نابیده نشده باشد اما در موضوع کدیه، سعدی اعتدال و سلیقه‌ی خاصی دارد. او به اقتضای طبع کریم ایرانی خود هرگز به خواهنده و درویش اجازه‌ی وقاحت نداده و در این موضوع، تحت تأثیر مقامات عربی نبوده است (ابراهیمی حریری، ۱۳۴۶: ۴۳۱-۴۱۳).

۴. هدف نویسنده و سبک انشا

هدف اصلی نویسندگان مقامات، ابراز هنر در تفنّن‌های لفظی بوده و اصولاً مقامه به قوه‌ی لغت ساخته شده و هدف در آن، تعلیم انشا و لغت و تهیه‌ی حکایت سرگرم‌کننده، برای محافل ادبی بوده است. مؤلف گلستان هم همین هدف را در نظر داشته و در مقدمه‌ی گلستان به تصریح گفته است:

«برای زهت ناظران و فسحت حاضران، کتاب گلستان بتوانم تصنیف کردن...» اما تفاوت عمده‌ی نثر گلستان با نثر مقامات حمیدی این است که سعدی به جای اطناب و دشوارنویسی، سبک ایجاز و شیوه‌ی سهل ممتنع را برگزیده و در این سلیقه، ناظر به سبک همدانی بوده است.

نثر سعدی از حیث لفظ، مصنوع و از حیث معنی، مرسل است. ایجازی که او به کار بسته، مساوات محض است و وجود چنین کتابی در برابر مقامات حمیدی، که سراسر مصنوع و مطنب است، نعمتی است. سعدی در تفتن‌های لفظی نیز اعتدال قابل تحسینی دارد. او نویسنده‌ای است فصیح و بلیغ و لیکن محسنات لفظی را تا آن‌جا می‌پذیرد که مُخل فصاحت و بلاغت نشوند. سعدی در ادخال و استعمال لغات عربی نیز معتدل بوده و از میزان طبیعی دور نشده است.

او در گلستان به سجع بیش از صنایع دیگر توجه کرده است و اسجاع وی، بیش‌تر دولختی و گاه سه‌لختی‌اند. در آوردن سجع هم، سعدی اعتدال را رعایت کرده است. او در سجع و موازنه به سبک خواجه عبدالله و ابوالمعالی نیز نظر داشته است. در گلستان توصیف نیز هست ولیکن کم و کوتاه و کامل و تمام، نه مانند توصیف‌های قاضی، زاید و نه مانند برخی از وصف‌های کلیده‌ودمنه، مُطنب و احیاناً مُمل.

آن‌چه در گلستان بیش‌از هر چیز به روش قاضی حمیدالدین شباهت دارد، در آمیختن نثر است با ابیات فارسی و عربی؛ مخصوصاً از این حیث که اشعار نیز از خود مؤلف است نه مانند اشعار کلیده‌ودمنه از شعرای ناشناس. سعدی در جمله‌بندی نیز به مقامات حمیدی نظر داشته است؛ زیرا در مقامات حمیدی گاه جمله‌هایی به چشم می‌خورد که صورت کامل‌تر آن‌ها را در گلستان نیز می‌توان دید و در واقع، سعدی هر صنعت و هر شیوه از مقامات حمیدی را که زیبا بوده برگزیده و آن را در گلستان تعمیم داده است (ابراهیمی حریری، ۱۳۴۶: ۴۴۶-۴۳۲).

به نظر می‌رسد که شیخ در گلستان خود، مغایرتی را که مقامات با زبان فارسی داشته، از میان برده و کتاب خود را با در نظر داشتن نکات و مختصات اصلی فن مقامات، به طریقی پرداخته است که با اسلوب نثر عالی فارسی مطابق افتاده و از اسلوب مقامات، آن‌چه از جهت معنی و فکر یا لفظ و ترکیب، با زبان فارسی سازگار نبوده، ترک کرده است (خطیبی، ۱۳۷۵: ۵۵۹-۶۰۰).

خلاصه آن‌که سعدی در گلستان به مانند مقامات نویسان (مقامه به معنی خاص) در درجه‌ی نخست، به خلق حکایت و قصه و بیان مطلب با اسلوبی زیبا و آراسته کمال توجه را داشته است تا «مترسّان را بلاغت افزاید» منتها برخلاف مقامه‌نویسان کوشیده تا از دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربیات خود و دیگران یا آن‌چه در بین مردم آن روزگار رایج بوده است،

آن‌گونه مطالبی را در گلستان مطرح سازد که جنبه‌ی پند و اندرز دارد تا در زندگی عملی مردم سودمند افتد. در این مورد، سعدی به یقین مقامات صوفیه را از نظر دور نداشته است. وی در ضمن، از سرگرم کردن خوانندگان کتاب غافل نبوده؛ با این حال، جانب عفت قلم را در فنّ مقامه‌نویسی به حد قابل توجهی مراعات کرده است (متینی، ۱۳۶۴: ۷۳۲-۷۰۵).

«ابراهیمی حریری» می‌نویسد: «نگارنده پس از مطالعه‌ی مکرر گلستان، معتقد شده است که این کتاب مخلوطی است از مقامات به معنای خاص و مقامات صوفیه و در هر نوع، سعدی مقامه‌نگاری را تهذیب فرموده و به آن رنگ ایرانی داده و تکلفات لفظی و سخافت معنوی و معایب ناشی از زهد خشک را برطرف کرده و در واقع، رشته‌ی مخصوصی از ادبیات را در فارسی بنیان نهاده که در هیچ کشوری سابقه و نظیر نداشته است. او صنعت را طوری از نظر پنهان داشته است که خواننده در مطالعه‌ی عادی آن‌ها را نمی‌بیند و گمان می‌برد با یک نثر مرسل روبه‌رو شده است» (ابراهیمی، ۱۳۴۶: ۳۹۶).

محمد خزائلی در مقام مقایسه‌ی گلستان با مقامات پیش از او می‌نویسد: «محتویات مقامه به هیچ‌روی در برابر کلمات موجز و حکیمانه‌ی سعدی نیروی هم‌سنگی ندارد و در بازار گوهریان ارزی نیارد» (خزائلی، ۱۳۵۳: ۱۸۷).

بنابراین، از تمامی آن‌چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که گلستان سعدی صورت تکامل‌یافته‌ی مقامات است نه تقلید صرف از آن.

منابع

۱. ابراهیمی حریری، فارس؛ مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی، چ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
۲. انزایی‌نژاد، رضا؛ گزیده‌ی مقامات حمیدی، چ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۳. بهار، محمدتقی؛ سبک‌شناسی نثر، ج ۲، چ ۶، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۴. خزائلی، محمد؛ نکاتی درباره‌ی گلستان و بوستان، مجموعه مقالات نخستین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی، چ ۲، به کوشش غلامرضا ستوده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۵. خطیبی، حسین؛ فن نثر در ادب پارسی، چ دوم، تهران، زوار، ۱۳۷۵.
۶. شمیس، سیروس؛ سبک‌شناسی نثر، چ ۷، تهران، نشر میترا، ۱۳۸۲.
۷. صفا، ذبیح‌الله؛ گنجینه‌ی سخن، چ اول، چ چهاردهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۸. قریب، عبدالعظیم؛ مقدمه‌ی کلیات سعدی، به کوشش بهداروند، چ اول، تهران، ایران‌مهر، ۱۳۸۰.
۹. متینی، جلال؛ مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی، ایران‌نامه، شماره ۴، سال سوم، تابستان ۱۳۶۴.
۱۰. موحد، ضیا؛ سعدی، چ اول، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳.
۱۱. همایی، جلال‌الدین؛ طبله‌ی عطار و نسیم گلستان، چ اول، تهران، کتابخانه‌ی طهوری، ۱۳۴۶.

سعدی در
گلستان به
مانند مقامات
نویسان (مقامه
به معنی خاص)
در درجه‌ی
نخست، به خلق
حکایت و قصه
و بیان مطلب
با اسلوبی زیبا
و آراسته کمال
توجه را داشته
است